

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی" و داکتر صلاح الدین "سعیدی-سعیدافغانی"  
۱۲ اپریل ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

کرونا: کووید - ۱۹ (سال ۲۰۱۹)

۲

به ادامه گذشته

ویروس کرونا «کووید ۱۹» و مراسم حج :

کشور عربستان سعودی و وزارت حج و اوقاف این کشور بعد از شیوع ویروس کرونا که در شهر ووهان کشور چین آغاز شد و با بسیار سرعت خارق العاده در سراسر جهان امریکا، استرلیا و کشور های اروپائی وکشور های آسیائی و افریقائی شیوع یافت.

مریض صفر ویروس کرونا :

مریض صفر :

قبل از همه باید گفت که اصطلاح و اطلاق مریض صفر به شخصی مریضی

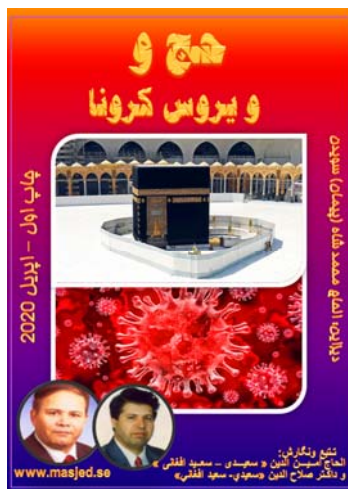
اطلاق می شود که به مریضی ویروسی یا میکروبی مبتلا شده باشد . شناسائی این شخص از این لحاظ مهم است که می تواند اطلاعات مفیدی درباره شیوه، مکان و دلیل انتقال عامل مریضی به انسان در اختیار بگذارد. شناخت مریض صفر نقش مهمی در جلوگیری از انتقال مریضی به دیگران و شیوع امراض جدید در آینده ایفاء می کند.

امامریض صفر ویروس کرونا :

درمورد این که مریض صفر کرونا کی بود ؟ جواب ساده و کوتاه همین است که نمی دانیم .

مقامات مسؤل کشور جمهوری چین ابتداء گفته بودند که اولین مورد ابتلاء به ویروس کرونا روز ۳۱ دسمبر کشف شده بود و خیلی از موارد بعدی این مریضی عفونی به بازار حیوانات که (شامل حیوانات بحری و خشکه) می شود در شهر ووهان در ولایت هوبی موقعیت دارد، می شد.

البته این منطقه مرکز شیوع مریضی کرونا است و ارقامی را که دانشگاه جان هاپکینز نشر نموده ، نشان می دهد که ، حدود ۸۲ درصد موارد کشف شده در چین و دیگر کشورها در اینجا متمرکز بوده است.



اما بررسی‌های صورت گرفته توسط محققان چینی که نتایج این تحقیق در مجله مشهور طبی به نام « لنست » منتشر شده است ادعا می‌کند که اولین شخص مبتلا به این ویروس در روز ۱ دسامبر ۲۰۱۹ تثبیت شده بود و هیچ ارتباطی هم با این بازار نداشت.

و «وونجوان»، یکی از اطباء مشهور و مهم شفاخانه جینیتان و یکی از نویسندگان مشهور طبی به رادیو بی‌بی‌سی بخش زبان چینی طی مصاحبه ای گفته است که این مریض کهن سال مبتلا به آلزایمر بود. به گفته دکتر ونجان « محل زندگی او فاصله خیلی زیادی با آن بازار داشت و به خاطر مریضی آلزایمر هم اصولاً از خانه بیرون نمی‌رفت».

او در ادامه می‌افزاید: سه نفر دیگر که نیز در روزهای بعد علائم این مریضی را نشان می‌دادند که دو نفرشان هیچ ارتباطی با این بازار نداشتند.

البته محققان بدین نظراند: که از ۴۱ مریضی که در ابتدای شروع مریضی در شفاخانه بستری شده بودند، ۲۷ نفر «به نحوی با این بازار در تماس بوده‌اند».

بربنیاد تحقیقاتی که سازمان صحتی جهان انجام داده اند ، بدین عقیده اند که محتملترین فرضیه این است که نقطه شروع انتشار این ویروس بازار متذکره می باشد، اپیدمی ویروس کرونا، به احتمال زیاد از یک حیوان زنده به انسان منتقل شده باشد و سپس هم از انسان به انسان دست به دست شده باشد. (بخش جهانی بی‌بی‌سی ۲۷ فبروری ۲۰۲۰)

به همه حال این که (اپیدمی ویروس کرونا) از کجا و توسط کی آغاز شد ، تأثیرات بی سابقه و محدودیت های بی نظیری را بر روابط بشری و از جمله بر عبادت دینی و مذهبی از جمله مسلمانان، آنهم در ادای نماز های روز جمعه و سایر عبادات و نماز های پنجگانه در مساجد، هکذا محدودیت هائی بر تجمعات روزهای یکشنبه کلیسا ها و به صورت کل بر مراکز عبادتی سایر ادیان ابراهیمی و بشریت به انواع مختلف از جمله کلیسا، کنیسه ، مندر و سایر مراکز عبادی هندو ها از جمله درمسال ها به عمل آورد. در این میان طواف کعبه شریفه و حضور درمسجد نبوی در مدینه منوره که اینک بعد از ۱۴۰۰ سال به روی حجاج وزایران محدود و مسدود گردید.

به همین ترتیب طوری که در فوق هم یاد آور شدیم ؛ وزارت امور خارجه عربستان سعودی به تاریخ ۲۸ ماه فبروری ۲۰۲۰ اعلام داشت که برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا محدودیتها روی انجام مراسم حج و عمره را مورد بررسی قرار خواهد داد.

### تاریخچه تعطیلی مراسم حج:

#### خواننده محترم!

مؤرخین و سیرت نویسان می نگارند که مریضی های ساری در طول تاریخ عبادت مسلمانان را در مکه معظمه (طواف بیت الله و مسجدالحرام)، به علت اشتراک تعداد زیاد از حجاج وزایران، که از مناطق مختلف جهان در مراسم حج به مکه معظمه و مدینه منوره سرازیر می شوند، مورد تهدید و احیاناً مورد تعطیل قرار داده است.

وقابل پیش بینی هم است که مریضی های مختلفه به خصوص امراض جهاز تنفسی و امراض معدوی (امراض کولرا، انفلوانزا ، مننژیت ، وویروس امروزه کرونا) به سرعت با نزدیک شدن دربین انسانها و به خصوص دربین حجاج انتقال وشیوع یابد.

مؤرخین می نویسند درمکه معظمه الی تأریخ امروزی ما، تقریباً چهل بار حالات و حوادثی (اعم از مریضی ساری و غیر مریضی) پیش آمده است که به تأسف مراسم حج و عمره مسلمانان رابه تعطیل وسایر مشکلات مواجه ساخته است.

درمکه معظمه تا اکنون ۴۰ بارحالات و حوادثی پیش آمده است که مراسم حج و عمره قسماً ویا هم به طور کلی مورد تعطیل قرار گرفته است:

که ما برای توضیح بیشتر به برخی از این حوادث توجه خوانندگان را جلب می داریم:

### **سیلاب ام نهشیل و تعطیل مراسم حج:**

سیرت نویسان می نویسند که در زمان خلیفه دوم اسلام امیرالمؤمنین حضرت عمر(رض) سیلابی قوی از شمال کعبه به داخل مسجد الحرام شریف سرازیر شد. شدت و قوت این سیلاب به حدی زیان آور و خطرناک بود که حتی مراسم حج را در همین سال به تعطیلی مواجه ساخت، بر اثر این سیلاب مقام ابراهیم از محلش کنده و آن را سیلاب با خود برد. حتی جای آن نیز به کلی از بین رفت. بعدها در اطراف مکه آن را یافتند و خلیفه دوم اسلام حضرت عمر (رض) این مقام را در جای خود قرار داد. این سیلاب، دختر یکی از بزرگان مکه را نیز با خود برد و جسد او را در پائین مکه یافتند. این دختر «أم نهشیل» نام داشت.

بناءً مردم مکه این سیلاب را نیز به نام او نامگذاری و در تاریخ مکه بدین نام ثبت کردند.

در همان سال بند آبی اعمار گردید، تا مانع از وقوع همچو سیلاب ها در اطراف حرم شریف گردد.

قابل تذکر است که این آخرین سیلاب نبود که مراسم حج را برای زیران حج به تعطیل مواجه ساخته است، بلکه سیل های دیگری از جمله سیلاب عظیمی در سال ۱۰۳۹ در مکه سرازیر شد و سه دیوار کعبه را ویران کرد. همچنان به اثر این سیلاب در حدود چهار ۴۰۰۰ نفر حاجی وفات یافت.

سلطان مراد چهارم عثمانی اقدام به بازسازی کعبه کرد.

در زمانه جنگ دوم جهانی بار دیگر سیلاب مدهش دیگری در مکه رخ داد که در نتیجه طواف کعبه را برای حجاج به تعطیلی مواجه ساخت.

### **جنگ و خشونت:**

تنها سیلاب ها و طوفانها در مکه نبودند که مراسم حج و طواف کعبه را در طول تاریخ به تعطیل مواجه ساخته است، بلکه خشونت های انسانی در برخی از اوقات عبادت و مراسم حج و طواف مسلمانان را در کعبه اخلال نموده است. از جمله یکی از این خشونت ها توسط حجاج بن یوسف ثقفی رخ داد. داستان این خشونت طوری بود که پنجمین خلیفه بنی امیه «عبد الملک بن مروان» (۲۶ - ۸۶ قمری) پنجمین خلیفه اموی که پس از مرگ پدرش مروان بن حکم در سال ۶۵ قمری به خلافت رسید و ۲۱ سال خلافت کرد.

عبد الملک بن مروان وقتی که دید عبدالله بن زبیر حاضر به بیعت با او نیست، فرمان به قتل او داد. اما عبدالله بن زبیر برای نجات جان خود به خانه کعبه پناه برد. خلیفه بنی امیه حرمت خانه کعبه را هم مراعات نداشت و به والی خویش در بصره هدایت فرمود، تا به مکه رفته و ابن زبیر را به قتل برساند.

طوری که حجاج بن یوسف، والی او در بصره بود و به خونریزی و سفاکی نیز شهرت داشت، وی با دریافت این فرمان، حجاج مردم بصره را برای برگزاری نماز جمعه به مسجد بزرگ شهر فراخواند و در خطبه نماز به آنان گفت: دانسته باشید که خلیفه، سفاک ترین والی خودش را برای انجام مأموریتی بزرگ برگزیده است و این برگزیده او منم. او گفت هر کس که او را در این اقدام همراهی نکند، سرش بریده خواهد شد. چند روز بعد وی به همراه با لشکر بزرگی

عازم مکه شد و بی‌درنگ خانه کعبه را در محاصره خویش درآورد، و حتی آن را به منجنیق بست. چند روز تمام این اقدام به انجام رسید تا این که راه ورود به خانه کعبه باز شد و حجاج به همراه لشکریانش وارد آن شده و در نهایت عبدالله بن زبیر را دستگیر و مطابق فرمان سر او را بریدند. آنها جنایت بسیاری کردند و خادمان مسجدالحرام را نیز به قتل رساندند. غارتگری‌های بسیاری صورت گرفت و تا مدت‌ها فضای ناامنی در شهر مکه حاکم بود.

### **گروگان‌گیری حجاج در سالهای ۱۳۵۸ هجری :**

در سال ۱۳۵۸ هجری گروهی به مسجدالحرام حمله کرده و حجاج را به گروگان گرفتند. این گروه از بنیادگرایان اسلامی و مخالف دولت عربستان سعودی بودند. آنها معتقد بودند که محمد عبدالله القحطانی، منجی اسلام یا همان مهدی موعود است و همه باید از او اطاعت کنند.

رهبری وزعامت این گروه را شخصی بنام «جهیمان العتیبی» به دوش داشت. محمد عبدالله القحطانی که از او به‌عنوان مهدی موعود نام برده می‌شد، شوهر خواهر جهیمان بود. جهیمان العتیبی می‌گفت که القحطانی همان مهدی است که بازگشته است تا اسلام را نجات دهد. آنها به برخی از احادیث نیز استناد می‌کردند. حتی روزی را برای این اقدام خود انتخاب کردند که با برخی از احادیثی که نزد خود داشتند، منطبق بیاید.

بالاخره در صبح ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ زمانی که امام جماعت مسجدالحرام قصد اقامه نماز با حضور نزدیک به ۵۰ هزار نفر را در آخرین روز حج به دوش داشت، شورشیان که نزدیک به پانصد نفر بودند، اسلحه‌های خود را بیرون آورده و دروازه‌ها را بستند و به مأموران حمله کرده و چند نفر از آنان را کشتند. نیروهای امنیتی عربستان از این اتفاق اطلاع پیدا کردند، اما برای حضور در مسجدالحرام و حمله به شورشیان، نیاز به اجازه علمای مذهبی داشتند؛ چرا که اعمال خشونت در مسجدالحرام روا نبود. علماء اجازه را صادر کردند. نیروهای امنیتی سعی در ورود به مسجدالحرام داشتند، ولی ناموفق بودند. می‌گویند مقامات امنیتی غرض رام ساختن این بغاوت از نیروی امنیتی خبیرکماندوهای فرانسوی که از جمله سه نفر بودند برای این مأموریت در نظر گرفتند. ولی باز هم ورود به بیت‌الله الحرام با مشکل مواجه بود، چرا که ورود غیر مسلمانان به مسجدالحرام ممنوع است. چاره را در این یافتند که نیروهای فرانسوی در مراسمی تشریفاتی به دین اسلام گرایش پیدا کنند. مقاومت و درگیری سخت و شدیدی رخ داد. نیروهای سعودی در نهایت اقدام به حفر سوراخ در حیاط مسجدالحرام کردند و به درون اتاق‌های زیرزمینی نارنجک اشک آور استفاده نمودند، که به اثر آن تعدادی از حجاج جان باختند. همچنان این امر باعث شد که تروریستان تعداد زیاد از حجاج را داخل حرم به گروگان بگیرند. ولی در نهایت مقامات نیروهای امنیتی، توانستند برخی شورشیان را با گلوله از پا در آورند. پس از دو هفته همه شورشیان خود را به مقامات امنیتی تسلیم داشتند.

برخی از تاریخ نویسان می‌نویسند که در این حادثه تروریستی به تعداد ۱۲۷ نفر از نیروهای امنیتی و ۲۵۰ از شورشیان به قتل رسید. والله اعلم

### **دزدیدن حجر الاسود در سال ۹۳۰ میلادی:**

در سال ۳۱۷ هجری، حکومت قرامطه به مکه مکرمه حمله کردند و حجر الاسود را از محل اصلی اش کردند و با خود به سرزمین خودشان، بحرین بردند. طوری که حجر الاسود بعد از ۲۲ سال در سال ۳۳۹ هجری دوباره به مکه برگردانده شد.

قرامطه گمان می‌کردند که حجر الاسود از دوران جاهلیت و نوعی بت پرستی است و به همین خاطر در یوم الترویة سال ۳۱۸ هجری ابوطاهر قرمطی که حاکم بحرین و رهبر قرامطه بود به مکه حمله کرد و در آن زمان مردم در حال

احرام بودند که او حجر الاسود را از جا بیرون کند و آن را به منطقه هجر (قطیف کنونی) فرستاد و حدود ۳۰ هزار حاجی را هم کشت و در حال کشتن مردم و حاجیان می‌گفت من بزرگتر از خدایم، او مردم را می‌آفریند و من می‌کشم. او علاوه بر این می‌خواست مقام ابراهیم را نیز بدزد که خادمان کعبه آن را پنهان کردند. قرامطه نه تنها به بردن حجر الاسود به منطقه (قطیف کنونی) اقدام کردند، بلکه آنان در سال ۳۱۸ هجری حجر الاسود را در خانه ای بزرگ در قطیف قرار داده بودند و گفتند حج باید در قطیف انجام شود و به اهالی قطیف دستور دادند گرد و دورادور آن خانه حج بجا بیاورند، اما اهالی قطیف نپذیرفتند و بسیاری از آنها به این خاطر کشته شدند.

### شیوع طاعون در سال ۱۸۱۴ هجری:

در سال ۱۸۱۴ هجری طاعون خطرناکی در مکه معظمه شیوع یافت، که به اثر آن در حدود هشت هزار نفر حاجی وزایر در حجاز وفات یافت.

طاعون از جمله امراض مهلک خطرناک ساری عالم گیری است که معمولاً در بین انسان و حیوان مشترک می‌باشد. این مریضی در طول تاریخ بارها به وقوع پیوسته و در طول تاریخ باعث تلفات تعدادی زیادی از انسانها گردیده و بحران‌های شدید اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در جهان به بار آورده است. از معروفترین شیوع آنها می‌توان از طاعونی که در سالهای ۷۴۹ رخ داد. و طاعون دیگری که در سال ۷۶۴ شیوع یافت، نام برد.

معاذ بن جبل می‌گوید از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: به شام خواهید رفت و آنجا را فتح خواهید کرد، ولی نباید فراموش کنی که در آنجا مریضی است مثل مریضی «دمل» یا «حزّه» که موجب هلاکت انسانها می‌گردد، و این اشاره ای است به مرض ساری طاعون و «یستشهد الله به انفسهم و یزکی به اعمالهم» شهادت نصیب آنان شده و اعمالشان تزکیه و پاک می‌شود. (مأخذ: کتاب ما رواه الواعون فی اخبار الطاعون: السیوطی جلال الدین، ابو الفضل، عبد الرحمن بن ابی بکر بن محمد المصري، المتوفی ۹۱۱ هجریه ص ۱۴۶ از مسند احمد). در روایتی دیگر که آن هم پیشگوئی رسول صلی الله علیه وسلم نسبت به طاعون عمواس است، نام این منطقه اصلاً ناحیه «جاییه» بوده، و در این منطقه مرض ساری مشابه «غده الجمل» شیوع یافت که بر اثر آن تعداد کثیری از مردم به شهادت رسید. (صفحه ۱۴۶ کتاب ما رواه الواعون فی اخبار الطاعون: السیوطی - روایت طبرانی)

طاعون عمواس، اولین طاعون بزرگی بود که مسلمانان با آن درگیر شدند و ضمن آن تعداد زیادی از صحابه جان شان را از دست دادند. شهر عمواس طوری که یاد اور شدیم شهر است در فلسطین که در میان قدس و رمله موقعیت دارد؛ شهری که اولین بار طاعون در آنجا دیده شد و از آنجا به سراسر شام بسط و شیوع یافت. البته برخی گفته اند که شهر غزه فلسطین اولین جایی بود که طاعون در آن شیوع یافت. (صفحه ۱۷۵ کتاب ما رواه الواعون فی اخبار الطاعون: السیوطی).

طاعون عمواس، که در همه منابع تاریخ صدر اسلام که حوادث این دوره را نوشته اند تذکر یافته است، در این هیچ جای شکی نیست که طاعون، مرگ و میر و تلفات بزرگی انسانی با خود داشت. از قضا همان سال یک قحطی هم در مدینه آمد که تلفاتی بسیاری داشت و نام عام الرماده روی آن گذاشته شد.

در طاعون عمواس کسانی چون ابو عبیده جراح، معاذ بن جبل، شریبیل بن حسنه و بسیاری از صحابه هم به شهادت رسیدند.

همچنان در داستان مسافرت امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) به شام آمده است:

که این سفر در حالی بود که شیوع طاعون به شدت شیوع یافته بود ، در میان تعداد از صحابه مخالف مسافرت حضرت عمر (رض) به این منطقه بود ، اگرچه تعدادی از صحابه اصرار بر رفتن شان به این منطقه داشتند. در نهایت حضرت عمر (رض) ترجیح داد که به این سفر ادامه نهد : گفته اند که عبدالرحمن بن عوف حدیثی از رسول صلی الله علیه وسلم نقل کرد که: **وقتی طاعون در منطقه ای می آید ، آنها که بیرون از آنجا هستند وارد نشوند و کسانی که داخل هستند، حق فرار را ندارند و شهید تلقی می شوند.** در ادامه روایت آمده است: وقتی حضرت عمر (رض) بازگشت، ابو عبیده اعتراض کرد: آیا از قدر الله می گریزی؟ حضرت عمر (رض) جواب داد : که هر نوع انتخابی میان دو انتخاب ، نوعی پذیرفتن قدر الله است. او به ابو عبیده گفت: اگر تو شترانت را برای چرا در زمین سرسبز یا یک زمین خشک ببری، هر کدام را انتخاب کنی، در واقع تسلیم قدر الله شده ای (بخاری و مسلم - صفحه ۱۶۰ کتاب کتاب ما رواه الواعون في اخبار الطاعون : السیوطي).

در نقل متفاوت دیگری آمده است که ابو عبیده به او گفت: همراه شما بزرگان از صحابه هستند و پشت سر ما «حریق النار» است. بهتر است امسال را بگردید. او برگشت و سال بعد آمد (صفحه ۱۶۲ کتاب کتاب ما رواه الواعون في اخبار الطاعون : السیوطي)

ادامه دارد